

## جایگاه منسوجات اسلامی دوره ایلخانی به مثابه عنصری از فرهنگ پذیری

راضیه جیران زاده، سالار ظهوری، ابوالفضل داودی رکن آبادی، علی اکبر جهانگرد

گروه تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

گروه هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

گروه هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

### چکیده

از قفقاز تا اقیانوس هند و اراضی جیحون تا مدیترانه همه زیر سلطه مغولان دوره ایلخانی بوده است. اسلام آوری نوادگان چنگیزخان و تغییر آیین ایشان از شمنیزم به اسلام سبب شد تا یکپارچگی حکومتی و مذهبی را در کرانه های تحت تسلط خود ایجاد کنند. هنر به عنوان عاملی موثر بر تجلی اندیشه اسلامی و عنصری فرهنگی در این دوره مورد توجه واقع شده بود. جنگ، مهاجرت و مذهب از عوامل مهم در فرایند فرهنگ پذیری است که در دوره ایلخانان با هر سه مورد مواجه هستیم. حمله مغولان به ایران، مذهب اسلام و همچنین مهاجرت هنرمندان به دربار ایلخانان سبب شد تا مضامین فرهنگی ایرانی با عناصر اسلامی و اندیشه هنری چین جمع شده و به مثابه عنصری از فرهنگ پذیری نمایان شود. که مسئله پژوهش حاضر است. چرا که نتایج حاصل از انطباق ماهیت، ساختار و ویژگی شناختی بصری الگوهای درون منسوجات سبب تعامل فرهنگی و انعکاس بصری کلام خدا و ارتباطش به عنوان عنصری زنده و پویا مشترکاتی را به همراه دارد که در اثر فرهنگ پذیری نمایان شده است. بررسی تمام عوامل فوق الذکر پاسخی است به این پرسش که چگونه هنرپارچه در دوره ایلخانی به عنوان یک پدیده در جهان متاورس می تواند عنصری از فرهنگ پذیری قلمداد شود؟ پژوهش حاضر از روش گردآوری داده ها بر پایه مطالعات (اسنادی- کتابخانه ای) شکل گرفته است و با رویکرد توصیفی- تحلیلی استفاده شده است.

واژه های کلیدی: دوره ایلخانی، فرهنگ پذیری، مضامین منسوجات، هنرپارچه، متاورس